

## آیا روافض معاصر کافر هستند؟

بسم الله والحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله:

شکی نیست که روافض از جمله گمراه‌ترین گروه‌ها هستند و تاریخ شاهد است که در بیشتر موارد با کفار علیه مسلمانان همکاری می‌کنند و این وضعیت بسیاری از اهل بدعت در هر زمان و مکان است.

روافض گروه‌های مختلفی هستند و هر کس که پیرو علی بن زید نباشد، رافضی است. لذا شیعه به دو گروه زیدیه و رافضه تقسیم می‌شوند. رافضه کسانی هستند که اصحاب را دشنام داده و از آنان بدگویی می‌کنند. اما زیدیه اینگونه نیستند هر چند که زیدیه نیز، خود شامل چندین گروه است. گروه مشهور کنونی در یمن زیدی هستند، اما آنان زیدی جارودی یعنی پیروان ابو جارود هستند، این گروه حقیقتاً مذهب زیدی را کنار گذاشته و رافضی شده‌اند.

غالباً کلمه‌ی (رافضه) برای شیعیان دوازده امامی به کار می‌رود که در عصر حاضر بیشترین جمعیت روافض را تشکیل می‌دهند، و به دو دسته: اصولی و اخباری تقسیم می‌شوند. بیشتر شیعیان دوازده امامی در حال حاضر اصولی هستند و در عراق، ایران، خلیج عربی و لبنان زندگی می‌کنند. اخباری‌ها تعدادشان کمتر است.

همچنین گروه‌ای باطنی مانند اسماعیلی‌ها، قرمطی‌ها، نصیری‌ها و دروزی‌ها از زمره‌ی روافض به حساب می‌آیند.

برخی دین‌ها مانند بهائی‌های بابی و غیره هم از رحم رافضه خارج شده‌اند.

به همین دلیل گفته می‌شود (رفض) منبع و چشمه‌ی زندقه و کفر است همانگونه که فلسفه‌ی معروف در تاریخ مسلمانان چنین است.

البته درست این است که: روافض همه مثل هم نیستند و اختلافات عمیقی میان گروه‌های مختلف رافضی در اصول وجود دارد و می‌توان به صورت زیر بر ایشان حکم نمود.

**شیعیان دوازده امامی اصولی:** اینان مبتدع هستند و سخنان و کارهای کفرآمیز در میان ایشان فراوان است. اما به صورت عینی (شخص خاص) و خصوصاً عوام آنها اعم از فارس و ترک و عرب و دیگر اقوام، تکفیر نمی‌شوند. در مورد علمای آنان نیز، حکم هر شخص بر حسب حال او است و اصل در آنها اسلام است مگر اینکه دچار ناقضی از نواقض اسلام شوند به طوریکه در اجتهاد و تاویل خود معذور نباشند و اصل اسلام از ایشان نفی شود. مثلاً اینکه دین یهود و نصاری را صحیح بدانند یا پیروی از رسول الله صلی الله علیه و سلم را واجب ندانند و یا قائل به وحدت وجود و یا دیگر امور باطل کننده‌ی اسلام باشند.

این مذهب شیخ الإسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم رحمهما الله تعالی است.

ابن قیم رحمه الله در سیاق قبول شهادت افراد فاسق می‌فرماید:

مانند کسانی از اهل بدعت و هوی و هوس که ایشان را تکفیر نمی‌کنیم، مانند رافضه و خوارج و معتزله و امثال ایشان. و ائمه را بیان کرده‌اند.

الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة - ط عطاءات العلم، ج ۱، ص ۴۶۱.

شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ می فرماید:

بسیاری از مسلمانان اهل بدعت مانند رافضی‌ها و جهمی‌ها و... به سرزمین کفار رفته و عده‌ی زیادی توسط وی به اسلام گرویده‌اند و از آن سود برده‌اند و با این اسلام در زمره‌ی مسلمانان مبتدع درآمده‌اند و این بهتر از آن است که کافر باشند.

مجموع الفتاوی (96 / 13)

و واضح‌تر از این سخن ایشان است که:

و این -اعتقاد به عصمت ائمه همچون انبیاء- خاص روافض امامی است که نه شیعیان زیدی و نه دیگر فرق اسلامی با آنان در این عقیده اشتراک ندارند، مگر کسانی که بدتر از ایشان هستند مانند اسماعیلی‌ها که قائل به عصمت بنی عبید هستند. اسماعیلی‌ها که منتسب به مُحَمَّد بن اسماعیل بن جعفر بوده و معتقدند امامت بعد از جعفر به مُحَمَّد بن اسماعیل رسیده است نه موسی بن جعفر، و اینان ملحد و منافق هستند.

و شیعیان دوازده امامی به مراتب از ایشان بهتر هستند. امامیه با وجود نادانی و گمراهی عمیقشان، در میانشان افرادی که از لحاظ ظاهری و باطنی مسلمان هستند و زندیق و منافق نیستند وجود دارند ولی نادان بوده و به گمراهی رفته و دنبال هوی و هوس خود افتاده‌اند. اما اسماعیلی‌ها، رهبران و بزرگشان که با حقیقت منش باطنی خود آشنا هستند، زندیق و منافقند ولی عوام ایشان که با حقیقت فکر خود آشنا نیستند ممکن است مسلمان باشند.

منهاج السنة (452/2)

دقت کن که: حکم نفاق بر اسماعیلی‌ها داد اما در مورد امامیه گفت که در میان آنان- یعنی رهبران و بزرگان‌شان- کسانی هستند که ظاهراً و باطناً مسلمان هستند! ایشان اشاره کرده‌اند که در میان عوام اسماعیلیه ممکن است افرادی مسلمان باشند.

همچنین وقتی از ایشان در مورد کسی که یهود و نصاری را بر روافض ترجیح می‌دهد، سؤال شد، این امر را انکار کرده و فرمودند:

هر کس به آنچه مُحَمَّد -صلی الله علیه وسلم- آورده است ایمان داشته باشد بهتر از کسی است که بدان کفر ورزیده است، هر چند که آن شخص مؤمن دچار نوعی بدعت باشد، و تفاوتی ندارد که بدعت از نوع خوارج، شیعه، مرجئه، قدریه و یا دیگر موارد باشد.

مجموع الفتاوی (201 /35)

ودلایل بر اینکه آنچه گفته شد، همان مذهب شیخ الإسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم است فراتر از حوصله این بحث است.

اما این سبب نمی‌شود کسی که هزاران نفر از اهل سنت را در شام به قتل رسانده است جانش محفوظ بماند، بلکه در این مساله تفصیل وجود دارد. هر کس از ایشان که ثابت شود افراد بی‌گناه را به قتل رسانده است، توسط دادگاه‌ها و مراجع دارای صلاحیت محاکمه می‌شود و جایز نیست که مسلمان خودش و به صورت خودسرانه حکم شرعی را اجرا کند بلکه این امر را به فرمانروا و دستگاه قضایی و علما واگذار می‌کند. همچنین اگر حاکم مصلحت شرعی دانست می‌تواند افرادی از ایشان را که

به بدعت (اندیشه‌ی خود) فرا می‌خوانند به قتل برساند و این گاهی درست است اما این مسأله برای عوام نبوده بلکه به حاکم و دادگاه شرعی واگذار شده است.

شیخ الإسلام در این مورد می‌فرماید:

گاهی کسی که به بدعت فرا می‌خواند به قتل می‌رسد همانگونه که شخص محارب کشته می‌شود، هرچند که آن شخص کافر نباشد. و هر کس که دستور به قتل وی داده می‌شود الزاماً بدین خاطر نیست که مرتد است و کشتن غیلان قدری از این نوع بوده است و چه بسا دیگرانی نیز اینگونه کشته شوند.

مجموع الفتاوی (351 / 23)

شیعیان دوازده امامی اخباری: نظر درست نزد من این است که به صورت خاص و عین، خصوصاً علمایشان کافر هستند. زیرا اینان قائل به ناقضی از نواقض اسلام، یعنی اعتقاد به تحریف قرآن و نتایج و لوازم آن هستند، طوریکه کتاب الله متعال نزد ایشان مانند تورات و انجیل تحریف شده است. نمونه این مسأله، سخن کافر مرتد حسین نوری طبرسی نویسنده کتاب (فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب) است.

روافض باطنی مانند نصیری‌ها، اسماعیلی‌ها و دروزی‌ها: در ارتداد و نفاق ایشان هیچ اختلافی نیست و جنگ با ایشان در اولویت با جنگ علیه یهود و نصاری است. توبه‌ی آنان بعد از اینکه اسیر شدند قبول نیست، به گونه‌ای که بر اهل سنت واجب است ایشان را بکشند و هرکس از ایشان در جنگ اسیر شود و قبل از جنگ تسلیم نشود، توبه‌اش پذیرفته نیست بلکه کشته می‌شود. دلیل این امر سخن

رسول الله صلی الل علیه وسلم است که فرمودند: (هر کس دینش را تغییر داد او را به قتل برسانید)<sup>1</sup>. این نیز حکمی است که توسط حاکم شرعی و دستگاه قضایی و علما اجرا می‌شود و آحاد مردم حق اجرای آن را ندارند، زیرا برخی از عوام این گروه‌ها ممکن است مسلمان باشند، خصوصاً کسانی که حقیقت مذهب خود را نمی‌شناسند. بنابراین هر شخص بنابر حالش توسط دادگاه شرعی محاکمه می‌شود.

اینان دین خود را تغییر داده و تظاهر به اسلام می‌کنند در حالیکه باطنشان کفر است و این به صورت متواتر از ایشان ثابت است. دلیل اینکه توبه‌ی ایشان بعد از جنگ و اسارت قبول نیست این است که دینشان بر تقیه و دروغ استوار است.

بسیاری از کسانی که در سوریه با آنان جهاد نموده است محتوای کتابهایشان را نقل کرده‌اند که حاوی کفرهایی است که نزد یهود و نصاری نیز چنین مواردی وجود ندارد. فرانسوی‌ها هنگام اشغال سوریه به بسیاری از کتاب‌های نصیری‌ها دست یافتند که اخیراً این کتاب‌ها در کتابخانه ملی پاریس به نمایش گذاشته شده و مطابق با آن چیزهایی است که در کتاب‌های عقاید فرقه‌ها (مقالات) از آنان نقل شده است.

همانگونه که بسیاری از علما گفته‌اند، این گروه‌ها در ظاهر رافضی‌گری و شیعه‌گری را به نمایش می‌گذارند اما در باطن کفر خالص را پنهان کرده‌اند.

گسترده‌ترین گروه از میان فرقه‌های باطنی، نصیری‌ها هستند که در شام و خصوصاً سوریه و جنوب ترکیه پخش شده‌اند و تعداد آن‌ها میلیون‌ها نفر تخمین زده می‌شود.

---

(1) صحیح بخاری (3017).

آنان را علوی نیز می‌نامند. در آناتولی نیز بسیاری از این گروه ساکن هستند که تعدادشان میلیون‌ها نفر برآورد می‌شود. اینان نیز کفار و مرتد هستند. علوی‌های آناتولی به شریعت پایبند نیستند و مسجد نمی‌سازند بلکه در خانه‌های با نام (بیوت الجمع<sup>1</sup>) گرد هم می‌آیند. مناسک و آیین‌های نصیری‌های شام با علوی‌های آناتولی متفاوت است اما نصیری‌های شام در سوریه و جنوب ترکیه در عقاید و مناسک شبیه یکدیگر هستند.

متأسفانه نصیری‌ها در سوریه هم اکنون حکومت را در دست دارند و بشار اسد لعنت خداوند بر وی، نیز از ایشان است<sup>2</sup>. او کافر و مرتد است که در صورت داشتن توان واجب است علیه وی به پا خواست و او را کشت. پدر ملعونش حافظ اسد نیز کافر و مرتد بود. تمام این افراد از روستایی با نام (القرادحة) آمده‌اند که سنگری از سنگرهای کفر در شام است.

کافی است بدانی که تمامی ناقلین عقاید فرق اتفاق دارند که نصیری‌ها معتقدند خداوند، اسم و معنا و دروازه‌ای دارد. اسم همان مُحَمَّد صلی الله علیه وسلم، معنا همان علی و دروازه، سلمان فارسی است و این در واقع اعتقاد به حلول الله متعال در علی است. خودم سرودهایشان را شنیدم که دقیقاً چنین می‌گفتند (خورشید علی

---

(1) خانه‌های جمعی، محل اجتماع.

(2) این مقاله قبل از سقوط این طاغوت نوشته شده است. با لطف و فضل الهی، این ملعون چندی پیش از سوریه گریخت و حکومت جنایتکار وی به زباله‌دان تاریخ پیوست. امیدوارم الله متعال این پیروزی را تداوم بخشد و ملت داغ دیده و ظلم کشیده سوریه‌ی عزیز با تکیه بر قرآن و سنت روزهای پر از عزت و ایمان و تقوا و شادی را تجربه کنند.

است .. ماه علی است .. آسمان علی است .. زمین علی است .. خدا علی است<sup>1</sup>).

همچنین خودم آن را در کتاب‌هایشان که برخی از گروه‌های انقلابی سوریه در خانه‌ی یکی از افسران رژیم پیدا کرده بودند، دیدم و این مطابق دست‌نوشته‌هایی است که فرانسه از کتاب‌های آنان منتشر کرده است.

این‌ها گاهی خود را بخشی از شیعیان دوازده امامی معرفی می‌کنند و گاهی خود را از ایشان جدا می‌دانند هر چند در برخی موارد اشتراک دارند. امامان و پیشوایان رافضیان دوازده امامی حکم به کفر و زندقه‌نصیری‌ها داده‌اند و هیچ‌یک از پیشوایان جز اندک افرادی از رافضیان معاصر و افراد کمی از اشعری‌های معاصر حکم به اسلام‌نصیری‌ها نداده‌اند و این اشعری‌ها با این حکم با جمهور علمای اشعری که قائل به کفر‌نصیری‌ها هستند مخالفت کرده‌اند. اولین شخص از روافض که قائل به اسلام‌نصیری‌ها است، موسی صدر بود که در سال 1978م در لیبی مفقود الأثر شد. این فتوا طبق درخواست حافظ اسد مرتد بود که تلاش کرد با این کار می‌خواست حکومتش را شرعی جلوه دهد و ادعا می‌کرد که نصیری‌ها شیعه‌های مسلمان هستند و گروهی باطنی و کافر نیستند.

به دنبال آن، روافض با علمای پیشین خود مخالفت کرده و حکم به اسلام‌نصیری‌ها دادند و این حال و صفت روافض در اکثر دوران‌ها بوده است که با کفار و مرتدین،

---

(1) این لینک سرود است:

[https://www.youtube.com/watch?v=U3RsouMbL\\_g](https://www.youtube.com/watch?v=U3RsouMbL_g)



علیه اهل سنت دست دوستی می‌دهند. مصداق این مسأله را در انقلاب سوریه مشاهده کردیم که چگونه ایران رافضی، نصیری‌های سوریه را در کشتار اهل سنت یاری کرد.

به طور کلی در سراسر جهان کافرتر از نصیری‌ها و هندوها سراغ ندارم، کفر و جهالت در میان ایشان به اندازه‌ای است که در هیچ ملتی همتا ندارد، لذا به اتفاق کافر بوده و جنگ با ایشان نسبت به جنگ با کفار اصلی در اولویت قرار دارد.

همچنین این حکم بر تمام فرقه‌های باطنی مانند دروزی‌ها و اسماعیلی‌ها صدق می‌کند. اینان نیز در شام و گروهی از اسماعیلیان تا به امروز در ایران ساکن هستند.

اما در مورد بقیه‌ی روافض، از جمله زیدی‌های جارودی و همچنین شیخیه، اینجانب نسبت به احوال و اعتقادات ایشان اطلاعات مفصل ندارم.

أحمد عصام النجار

<https://t.me/AhmedEssamElnaggar>